

پروردگار را به خاطر خوبی و مهربانی اش نسبت به ما ستایش می کنیم. خدا بزرگ و بسیار قابل ستایش است. ما می خواهیم در مورد یعقوب که با فرشته کشتی گرفت بخوانیم.

فصل ۳۲

(۱) چشم انداز یعقوب در ماهانایم و ترس او از عیسو آیه ۱-۸

فرشتگان خداوند برای اطمینان از حمایت الهی، برای تشویق او به یعقوب ظاهر شدند. هنگامی که خداوند مردم خود را برای آزمایش های بزرگ طراحی می کند، آنها را با راحتی های بسیار آماده می کند. در حالی که یعقوب، که به او وعده داده شده بود، از نظر جسمی در خدمت لابان سخت و طولانی بود، عیسو مانند یک شاهزاده در سرزمین خود شده بود. یعقوب برای ملاقات صلح آمیز او پیامی فرستاد. ما نباید از صحبت با احترام، حتی با کسانی که ممکن است به ناحق از ما عصبانی باشند، امتناع ورزیم. یعقوب مانند ارتش از جنگ عیسو گزارشی دریافت کرد که باعث ترس شدید یعقوب شد. او احساس خطر جدی داشت.

(۲) دعای جدی یعقوب برای نجات. او هدیه ای برای عیسو آماده می کند. آیه ۹-۲۳

اوقات ترس باید زمانی برای دعا باشد. هر آنچه باعث ترس می شود، باید ما را در برابر خدای متعال به زانو در آورد. یعقوب اخیراً محافظ خود را از فرشتگان دیده بود اما در پریشانی به دنبال خدا بود، نه فرشتگان. در اینجا سپاسگزار لطفهای ناسپاس سابق، اعتراف فروتنانه از بی لیاقتی و در عین حال امید همه به خداست، در حالی که ترس او را فرا گرفته بود. خداوند در حالی دعاها را اجابت می کند که به ما اولویت در زندگی روزمره و کارها را می آموزد. اول او، بقیه اش بعد. یعقوب برای خشنود کردن عیسو هدایایی برای او فرستاد. این به ما می آموزد که نباید از آشتی با کسانی که بیشتر از ما عصبانی هستند ناامید شویم.

(۳) یعقوب با فرشته کشتی می گیرد. آیه ۲۴-۳۲

در طول شب و قبل از طلوع آفتاب در حالی که یعقوب تنها بود، تمام ترسهای خود را به دعا در برابر خدا قرار داد. شخصی شبیه مردی که با او کشتی گرفته است. وقتی روح در ضعف های ما به ما کمک می کند و ما در بیان خود دشوار هستیم یا کلمات کافی برای بیان نداریم، در حقیقت دعاها را با خدا درگیر می شوند. هر چقدر هم که به چالش کشیده یا دلسرد شویم، بر آنها غلبه خواهیم کرد. با غلبه بر او، ما باید از دشمنانی که علیه ما "جنگ" می کنند، قویتر باشیم. غالب شدن، پیروزی، قویتر بودن نوعی تاج ایمان و عبادت است.

در خلال کشتی یعقوب ایستاده بود، اگرچه مبارزه برای مدت طولانی ادامه داشت، اما این ایمان او را متزلزل نکرد و بر عبادت او تأثیر نداشت. او مصمم بود که از نعمت و عنایات خداوند برخوردار شود. خداوند ران او را لمس کرد و یعقوب آسیب دیده و لنگان لنگان لنگان لنگیده بود. در هنگام طلوع روز، یعقوب از نظر جسمی ضعیف تر از قبل اما از نظر روحی قویتر از قبل به مسافرت خود ادامه داد. خداوند به گونه ای با یعقوب برخورد کرده بود که یعقوب آموخته بود که نه می تواند با برنامه ها و نقشه های انسانی زندگی کند و نه با جنگ یا تلاش برای پیشرفت در زندگی با استفاده از روش های "جهان". همه این چیزها با اعتماد به خدا و عدالت او موفق خواهند شد.

از این طریق یعقوب می توانست همه نعمت ها را تنها با لطف و رحمت خداوند به ارث ببرد. یعقوب این مکان را پن ایل نامید که \"چهره خدا\" است.

فصل ۳۳

(۱) دیدار دوستانه یعقوب و عیسو. آیه ۱-۱۶

یعقوب با عیسو ملاقات می کند، به او هدیه می دهد و از او استقبال مسالمت آمیز می شود.

(۲) یعقوب به ساکوت و بعداً شیکم می آید. آیه ۱۷-۲۰

او چادرهای خود را برپا کرد و ابتدا در ساکوت و سپس در شیکم اردو زد و در آنجا زمینی را برای ۱۰۰ سکه نقره خریداری کرد. وی محرابی را برای پرستش خدا ساخت. او که اکنون مردی خداپسند است، بسیار مشتاق بود که خانواده خود را به پرستش و پیروی از خدا راهنمایی کند. همانطور که خداوند به ما برکت داده و به واسطه عیسی مسیح نجات بزرگی را به ارمغان آورده است، ما نیز مانند یعقوب باید مراقب باشیم که خداوند متعال را به خاطر خوبی و رحمتش نسبت به ما شکر و پرستش کنیم. مانند یعقوب، خدا از بسیاری جهات برای از بین بردن کارهای \"جسمی\" و غرور ما کار می کند. او معنویت را جایگزین \"زندگی مانند جهان\" می کند.

باشد که برنامه و هدف خداوند در زندگی ما محقق شود. خداوند همه ما را برکت دهد. آمین

<https://www.youtube.com/watch?v=IKM-M6DkRaU>.